

## زبان ترکی خود را تقدیم می‌کنم تا زبان عدالت را از دهان شما بشنوم\*

خاچیک مورادیان | ترجمه آرمینه آراکلیان

خاچیک مورادیان، سردبیر هفته‌نامه آرمین ویکی، چاپ بوستون، مسئول هماهنگی برنامه‌های مربوط به نژادکشی ارمنیان در دانشگاه راجرز امریکا و دانشجوی مقطع دکترای پژوهش‌ها و مطالعات نژادکشی در دانشگاه کلارک امریکاست. او در همایش‌های علمی بی‌شماری در ارمنستان، اتریش، قبرس، لبنان، نروژ، سوئیس، سوریه و ترکیه و نیز در ایالت‌های مختلف امریکا شرکت و



خاچیک مورادیان

سخنرانی‌هایی را ارائه داده است. وی در خلال میزگردی که در ۱۹ ژانویه ۲۰۱۳م به مناسبت ششمین سالگرد قتل هراند دینک<sup>۱</sup>، روزنامه‌نگار فقید ارمنی، در آنکارا بر پا شد، حاضران را به زبان ترکی مورد خطاب قرار داد و خواستار بررسی عدالت‌خواهی ارمنیان در قبال نژادکشی سال ۱۹۱۵م شد. آنچه در پی می‌آید ترجمه کامل سخنرانی وی در این جلسه است که به همت اندیشمندان و فعالان سیاسی چپ‌گرای ترک برگزار شد.



چگونه زبان ترکی بر من نازل شد؟ من آن را یاد نگرفته‌ام تا هنگام ذکر خلاصه تجربیات و شرح حال، با اشاره به تسلط به یک زبان خارجی دیگر، به سوابق خود

\* این مقاله تحت عنوان «Mouradian Delivers Talk on Genocide Justice in Ankara» در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۳م در هفته‌نامه *Armenian Weekly* به چاپ رسیده است.

۱. برای آشنایی با زندگی هراند دینک، رک: آرپی مانوکیان، «زندگی‌نامه هراند دینک»، پیمان، س ۱۱ ش ۳۹ (بهار ۱۳۸۶)، ۶-۱۰. (مترجم)

مباهات کنم. زبان ترکی با من متولد شده است. من آن را نخواسته و البته پس هم نزده‌ام. زبان ترکی با صدای مادربزرگم به من رسیده است. زبان ترکی برای شما زبان مادری و برای من زبان مادربزرگم است.

اجداد من، که از نژادکشی جان سالم به در برده بودند، به لبنان رسیدند تا از هیچ شروع کنند و زندگی جدیدی برای خود بسازند. آنها به پدر و مادر من زندگی بخشیدند و زمانی که من به دنیا آمدم زبان ترکی را، که از کیلیکیه به همراه خود آورده بودند، به من بخشیدند. زبان ترکی برای شما زبان عشق است و برای من زبان مرگ و محرومیت. زبان ترکی من پر شده است از خاطرات مرگ و محرومیت از آدانا، کیلیس، کُنیا اِراپلی و حسن بیلی، شهرها و روستاهای محل زندگی اجداد من.

و امروز نخستین بار است که از پشت تریبون با این زبان با شما سخن می‌گویم و نخستین بار است که این زبان آغشته به مرگ و محرومیت را به شما تقدیم می‌کنم تا در مقابل زبان عدالت را از دهان شما بشنوم.



شش سال پیش در صبحدم چنین روزی با صدای زنگ تلفن از خواب پریدم. مادرم در لبنان پشت آن خط بود. خبری نمی‌توانست از آنچه شنیدم ناگوارتر باشد. در آن لحظه نوشتن این نامه تنها کاری بود که از دستم بر می‌آمد. مخاطب نامه من هراند دینک بود که با گلوله آدمکشی به خون غلطیده بود.

«هراند عزیز،

حالا دیگر مطمئن هستم که رودخانه راه دریا را شناخته است و تو به آنهایی پیوسته‌ای که ۹۲ سال پیش ما را ترک کردند.

خواهشی از تو دارم. به جای من گریگور ظهراب<sup>۱</sup> را محکم در آغوش بگیر و در گوشش زمزمه کن که من داستان‌های کوتاهش را بارها و بارها خوانده‌ام. سلام مرا به دانیل واروژان<sup>۲</sup> برسان و به او بگو که اشعارش چراغ راه دوران جوانی من بوده و هنوز هم الهام‌بخش روح و روانم است. فراموش نکن که سرود بقا را با سیامانتو<sup>۳</sup> بخوانی.

۱. متولد ارمنستان غربی (۱۸۶۱ - ۱۹۱۵م)، حقوق‌دان، وکیل مجلس ترکیه، نویسنده و فعال سیاسی - اجتماعی که در ۱۹۱۵م در راه تبعید به قتل رسید. (مترجم)

۲. متولد ارمنستان غربی (۱۸۸۴ - ۱۹۱۵م)، شاعر و اندیشمند شهیر ارمنی که در نژادکشی ۱۹۱۵م به قتل رسید. (مترجم)

۳. متولد ارمنستان غربی (۱۸۷۸ - ۱۹۱۵م)، شاعر و اندیشمند شهیر ارمنی که او نیز در نژادکشی ۱۹۱۵م به قتل رسید. (مترجم)

به آنها بگو که در قفسه کتابخانه‌ها و روی میزهای مدرسه ما جای دارید. بگو که کلامشان روی لب‌های ما جاری است و حرف‌هایشان در قلب‌های ما جایی ابدی دارند. به آنها اطمینان بده که من و تو آن روز را می‌بینیم که در کتابخانه‌ها و روی میزهای مدرسه ترک‌ها جای خواهند گرفت، کلامشان روی لب ترک‌ها جاری خواهد شد و حرف‌هایشان در قلب ترک‌ها جایی ابدی پیدا خواهند کرد. اطمینان بده که روزی مجسمه آنها، همراه با مجسمه خود تو هراند عزیز، زینت‌بخش میدان‌های استانبول خواهند بود.

با کومیتاس<sup>۱</sup> دست به دعا بردار و به او نوید ده که روزی زن‌های ارمنی بار دیگر، در روستاهای ارمنستان غربی او، ترانه‌هایش را سر خواهند داد. از تو می‌خواهم که اجداد مرا پیدا کنی و به آنها بگویی که ما عشق آنها را به سرزمینشان در قلبمان داریم، عشق به سرزمینی که آنها هرگز ترکش نکردند و ما هم هرگز آن را ندیدیم.

هراند عزیز، برپیشانی مقدس تک تک آنهايي که قربانی کشتار ۱۹۱۵م شدند بوسه بزن. به آنها بگو که ما در مسیر رؤیاهای آنها قدم بر می‌داریم، چراکه رؤیاهای آنها همان رؤیاهای ما هستند. به آنها نوید ده که ما بیابان‌ها را با یاد آنها به گلزار تبدیل خواهیم کرد. به آنها بگو که نژادکشی طلعت پاشا و قتل هراند دینک به دست اوگون ساماست نتوانستند و نخواهند توانست ما ارمنیان را از ادامه حیات جاودانه در خانواده بشری باز دارند. به آنها بگو که ما همه ظهراب، واروژان، سیامانتو، کومیتاس و هراند دینک هستیم.

با عشق

خاچیک مورادیان»



به او نوشته بودم که ما همه ظهراب، واروژان، سیامانتو، کومیتاس و هراند دینک هستیم و حالا، حتی پس از گذر شش سال، هنوز هم نتوانسته‌ام با شعار «ما همه هراند دینک هستیم» یا «ما همه ارمنی هستیم»، که صدها هزار شهروند ترکیه در مراسم تشییع جنازه هراند سر دادند، آشتی کنم.

در سخنانم، در مراسم یادبودی که فقط چند روز پس از قتل هراند دینک به یاد او بر پا شد، اشاره‌ای داشتم به این واقعیت محض که هیچ‌کس هراند دینک نیست، چراکه آن

۱. سوقومون سوقومونیان، متولد ارمنستان غربی (۱۸۶۹ - ۱۹۳۵م)، اسقف کلیسای ارمنی، موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز نامدار ارمنی که قربانی نژادکشی ۱۹۱۵م شد. (مترجم)

روز من تنها یک نفر را دیده بودم که جسدش در درازای پیاده‌رو بر روی زمین افتاده است. کجا بودند آنهایی که امروز خودشان را هراند دینک می‌دانند؟ نمی‌دانم احساس گناه، خشم یا بی‌پناهی بود که بسیاری از آشنایان ترک هراند را به خیابان‌ها کشاند و زندگی آنهایی را که هراند، منش او و افکار صلح و عدالت‌طلبانه او را نمی‌شناختند دگرگون ساخت.

با وجود ریزش احساسات سیاه بر روی کاغذهای سفید، برخلاف خشم شهروندان ترکیه و دیگر نقاط جهان و با وجود طنین همیشگی شعارهای «ما همه هراند دینک هستیم» و «ما همه ارمنی هستیم» هراند حالا هم، پس از گذشت شش سال، مثل همان روز روی پیاده‌رو، تنهای تنهاست. چون عدالت یگانه درمان واقعی تنهایی است و چون جنایتکاران هنوز در آزادی‌اند.

نه، هیچ کس هراند دینک نیست. گاهی اوقات خود هراند هم شبیه هراند دینک نبود چرا که نمی‌توان فرهیخته‌ای ارمنی بود و در ترکیه زیست، در کشوری که برای انتقاد و ابراز ناراضی‌های محدودیت قائل‌اند، در کشوری که صداها را خفه می‌کنند و در کشوری که نقد شجاعانه سیاست‌های دولت و دگراندیشی نپذیرفتنی و نابخشودنی است. قبول کنیم که هیچ کس هراند دینک نیست و هیچ کس ارمنی نیست. در ۲۴ آوریل ۲۰۱۰م، هنگام سخنرانی برای گروهی از فعالان و اندیشمندان، اعلام کردم که درک احوال یک شهروند ارمنی ترکیه ناممکن است و اصولاً چرا باید نگران درکی این چنینی بود؟

بخش مهمی از اقتصاد ملی ترکیه<sup>۱</sup> در نتیجه تصاحب اموال و دارایی‌های ارمنیان است و بر این پایه استوار شد. امروزه نابرابری قدرت بین دو کشور ارمنستان و ترکیه نتیجه همان غصب اموال و دارایی‌هاست و عظمت این حقیقت تلخ ابراز هرگونه همدردی و تلاش ظاهری برای درک مسائل را، هر چه قدر هم که خالصانه باشد، بی‌معنی و توخالی جلوه می‌دهد. اما راه‌هایی هم برای پیشرفت در حل مسائل وجود دارد. تعامل واقعی با ارمنیان را باید از تحقیر آنان و تصاحب غیر عادی جان و مالشان بر روی شن‌های داغ دیرالزور<sup>۲</sup> شروع کرد و این زمانی ممکن است که زبان زورمداری جای خود را به زبان عدالت بسپارد.

1. Milli Ekonomi

۲. منطقه‌ای در بیابان‌های شمال سوریه کنونی که ترک‌ها در ۱۹۱۵م ده‌ها هزار ارمنی تبعیدی را در آنجا گردآوردند و به قتل رساندند. (مترجم)

لازم نیست در مورد گذشته مشترک و نوع غذاهایی که با هم می‌خوردیم صحبت کنیم. راه صلح از میان خورد و خوراک مشترک نمی‌گذرد. راه صلح را باید در مسیر و هدف عدالت جست و جو کرد.

از همه نخواستیم که دوستی با هراند دینک و ارمنیان را بر گزینند. ارمنیان و هراند دینک در همین مکان، در همین تالار، در همین کشور و در سراسر جهان دوستان فراوانی دارند. تنها کافی نیست که از همه انتظار داشته باشیم که با چشمانی باز با آلام ارمنیان آشنا شوند. آنچه مهم و لازم است عدالت است و بس.

بنابراین، از پشت همین تریبون و در همین مکان این زبان مرگ، چپاول و بی‌حرمتی را پس می‌دهم و در عوض از قول اجدادم، خاچاطور و ملینه مورادیان و آرداشس و آغاونی غاریبیان، زبان عدالت را انتظار دارم. ■